

■ تبیین ساختار سلسله‌مراتب اداری گورکانیان، با تکیه بر منشآت بدایع الانشاء یوسفی هروی (۹۴۰ق)  
ندا مراد | سید محمد منصور طباطبایی | منوچهر اکبری | عبدالرضا سیف

## ■ چکیده

نامه‌نگاری که در قدیم به آن فن «ترسل» می‌گفته‌اند، به‌عنوان یکی از فنون انشا و نویسندگی در گستره فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای دارد و نامه‌های برجای‌مانده از هر دوران حکومتی، اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و غیره را در برمی‌گیرد که پرداختن به آن‌ها در حیطه پژوهش‌های تاریخی بسیار راهگشاست. بدایع الانشاء یوسفی هروی یکی از این منابع مکتوب است که برحسب سلسله‌مراتب اداری و مشاغل دیوانی، در زمان همایون شاه گورکانی نگارش یافته است.

هدف: نظر به اهمیت میراث مکتوب، هدف این پژوهش در وهله نخست، معرفی نسخه‌ای مربوط به دوره گورکانیان، به‌منظور استفاده در پژوهش‌های ادبی و تاریخی و در وهله دوم، تبیین ساختار سلسله‌مراتب اداری این دوره با تکیه بر محتوای این اثر است. روش/ رویکرد: روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی، بر اساس نسخه خطی بدایع الانشاء و سایر منابع تاریخی موجود است. یافته‌ها و نتایج: سلسله مراتب اداری در این دوره شامل سه مرتبه اداری بود. سلطان در راس این ساختار بود. تحلیل محتوای این نامه‌ها اشتراکات فرهنگی و مذهبی بین مسلمانان ایران و هند را در این دوره نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

### کلیدواژه‌ها

بدایع الانشاء، یوسفی هروی، گورکانیان، نامه‌نگاری، مراتب اداری

۱. لازم به ذکر است، شماره صفحات ذکرشده در این مقاله، منطبق با نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجموعه اهدایی غلام حسین سرود)، با شماره بازیابی ۴۵۰۸ است.

## تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم، هفتم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۶)، ۲۸-۴۲  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۸ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

# تبیین ساختار سلسله مراتب اداری گورکانیان، با تکیه بر منشآت بدایع الانشاء یوسفی هروی (۹۴۰ق)

ندا مُراد | سید محمد منصور طباطبایی<sup>۲</sup> | منوچهر اکبری<sup>۱</sup> | عبدالرضا سیف<sup>۴</sup>

## مقدمه

جانشینان تیمور که به گورکانیان هند و یا مغولان کبیر هند معروف بودند، در سال (۱۵۲۶-۱۸۵۷م) درخشان‌ترین سلسله حکومتی در شبه‌قاره هند را تشکیل دادند و نقشی مهم، در تاریخ آن سرزمین ایفا کردند و بزرگ‌ترین کانون ادبی در حوزه زبان و ادب فارسی را تشکیل دادند.

درواقع «به سبب تشویقی که دستگاه فرمانروایی مغول بآبروی از شعر و هنر می‌کردند، برای شعرا و ادبای ایران در این دوره، هند نوعی سرزمین فرصت‌ها تلقی می‌شد و پادشاهانی چون امپراطور اکبر، نورالدین جهانگیر، شاه جهان، همایون و غیره در تشویق شعر و ادب فارسی اهتمام کردند و حمایت و نواخت آنها موجب جلبِ عدّه‌ی قابل ملاحظه‌ای از شعرا و ارباب هنر به دیار هند شد» (زرین کوب، ۱۳۸۳، صص ۴۰۵-۴۰۶). مطابق روایات تاریخی «شاهان تیموری هندوستان، از بنیانگذار آن سلسله تا واپسین حکمران، جملگی نه تنها شعر و ادب فارسی را ترویج کردند، خود در آن رشته درس و هنر آموختند و به تشویق گویندگان فارسی پرداختند» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶). در این بین اقامت همایون گورکانی (۹۳۰-۹۸۴ق) در دربار شاه طهماسب، نیز در تاریخ خاندان تیموریان هند، تأثیر بسیار داشت و سبب توجه بیشتر گورکانیان، به فرهنگ و ادب فارسی شد به طوری که بعدها، با جلوس همایون، بر تخت سلطنت، عدّه‌ی زیادی از هنرمندان و فضایی که در دربار صفوی با وی آشنا شده بودند به هند رفتند. تاریخ هند شواهد مکرری از این گونه مهاجرت‌ها را

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی  
دانشگاه تهران (واحد پردیس کیش)

(نویسنده مسؤل)

neda\_morad@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه تهران

m.mansour@ut.ac.ir

۳. استاد دانشگاه تهران

makbari@ut.ac.ir

۴. استاد دانشگاه تهران

seif@ut.ac.ir

ثبت کرده است. در این بین، حضور و نفوذ بزرگان و علمای ایرانی فارسی‌زبان، در دربار این سلاطین، چشمگیر بود و «اساساً سلاطین دکن و به‌خصوص قطب شاهان، وزراء و مقامات بزرگ خود را از میان ایرانیان مهاجر که بهره علمی و فرهنگی داشتند انتخاب می‌کردند. مقام میرجملگی و پیشوایی یا وزارت اعظم و نیز دبیری و منصب سرخیلی<sup>۱</sup> که نیابت وزیر اعظم شمرده می‌شد، اغلب در اختیار ایرانیان بود» (صافی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۴-۱۰۵). مولانا «یوسفی هروی<sup>۲</sup>» نیز از حکیمان و طبیبان مشهور دوره صفویه بود که به هند رفت و تا پایان عمر (۹۵۰ق) با سمت دبیری (منشی) همایون شاه، در دربار گورکانیان به سر برد.

## پرسش‌های پژوهش

منشآت نویسی در دوره گورکانیان چه ویژگی‌هایی داشته است؟  
بدایع الانشاء در زمره کدام دسته از منشآت دیوانی قرار دارد؟  
هدف اصلی یوسفی هروی از تدوین این مجموعه چه بوده است؟

## پیشینه پژوهش

بدایع الانشاء نخستین بار در ۱۸۴۳م در دهلی به چاپ رسید؛ اما در ایران، به صورت نسخه خطی باقی مانده است. در مورد این مجموعه - با وجود اهمیت تاریخی و ادبی اش - پژوهشی مستقل صورت نگرفته است و در منابع گوناگون، فقط در بخش معرفی دیگر آثار یوسفی هروی به عنوان پزشک و حکیم دوره صفویه، به آوردن نامی از آن بسنده شده است؛ در نتیجه، این امر ضرورت توجه به این اثر ارزشمند را دوچندان می‌کند.

## گفتار نخست

### ۱.۱. شرح احوال یوسفی هروی

#### معرفی مؤلف

«یوسف بن محمد بن یوسف هروی، معروف به حکیم یوسفی یا مولانا یوسفی، فرزند محمد بن یوسف و از پزشکان سده ۱۰ق بود. یوسف بن محمد، ظاهراً از اهالی خواف خراسان بود که در ماوراءالنهر دانش آموخت و در هرات زیست و از ترس سرخ‌کلاهان با پدرش به هند، کوچ کرد و در آنجا مورد توجه و عنایت ظهیرالدین بابرشاه، قرار گرفت. یوسفی علاوه بر اینکه پزشک دربار بود، به سمت دبیری وی در سال‌های ۹۳۲-۹۳۷ق درآمد و پس از بابرشاه در دربار پسرش - همایون گورکانی - در سال‌های ۹۳۷-۹۶۴ق نیز همین سمت را داشت<sup>۳</sup>» (صفا، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۵۶).

۱. سرگروهی
۲. «... و دیگری مولانا یوسفی طبیب، او را از خراسان طلب فرموده بودند، در مکرم اخلاق و میمنت دست و مزید توجه ممتاز بود» (مبارک، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷).
۳. برای آگاهی بیشتر از زندگانی، آثار و سبک نگارش یوسفی هروی ن.ک: آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، (۱۴۰۳). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. (ج ۹). ص ۱۳۲۱. بیروت. نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم*. ص ۲۸۹. تهران: کتابفروشی فرغی. نصیری، محمدرضا. (۱۳۸۴). *اثرآفرینان*. (ج ۶). (۲ج). ص ۱۶۸. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



اما بدایع الانشاء که موضوع محوری این مقاله است، در دربار گورکانیان و در زمان همایون شاه، نوشته شده و رساله‌ای مشتمل بر محاورات خطابی و جوابی است. در کتاب زبدة الآثار در توصیف این اثر آمده است: «بدایع الانشاء کتابی به زبان فارسی، در ترسل، از یوسفی، منشی شاه‌همایون است. این مراسلات یا به قول مؤلف «محاورات» بر حسب طبقات مردم و به سال ۹۴۰ (ه.ق) تألیف شده است، نثر این کتاب از نثرهای مصنوع زبان فارسی است» (آملی طبری، ۱۳۷۲، ص ۹۴).

### ۱.۲. تعریف و اهمیت منشآت از دو منظر (ادبی و تاریخی)

منشآت، به مجموعه‌هایی گفته می‌شود که از تعدادی نامه تشکیل شده باشد. این گونه نسخه‌ها، در گذشته «با عناوینی چون رسائل، ترسلات، نامه‌ها و مکاتیب نیز خوانده می‌شد» (صفری، ۱۳۹۰، ص ۱۶). در این گونه کتاب‌ها «علاوه بر وجود نمونه‌هایی از نثرهای فصیح و زیبا، که هم مبتدیان را به کار می‌آید و هم مترسلان را بلاغت می‌افزاید، سبک و شیوه نگارش، به حکم آنکه خود دستورالعمل و الگویی برای درست و زیبانویسی است، از لحاظ شیوایی و روانی عبارات و بیان رمز و رازهای نویسندگی، درخور توجه و اعتنا است» (رزمجو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۶).

در سال‌های اخیر که منابع آرشیوی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد «نامه‌های پادشاهان و ملوک، فتح‌نامه‌ها، فرمان‌های سلطنتی، معاهدات و مکاتبات رسمی یا خصوصی نیز حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی برای پژوهش بوده و به ابزار محققان، جهت پژوهش‌های تاریخی تبدیل گشته‌اند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸، ص ۷۸). از این منظر، مجموعه‌ی رسایل و نامه‌های باقی مانده از ادوار گوناگون تاریخی، از انواع مهم نثر فارسی محسوب می‌شوند و پرداختن به آن‌ها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهش‌های ادبی ضروری است.

### ۱.۳. مختصات و ویژگی نامه‌ها، در دوره گورکانیان

دوره گورکانیان، دوره توسعه و کمال ادبیات فارسی بود و به قول ملک‌الشعراى بهار «دربار پادشاهان مزبور، دربار ثانی ایران، بلکه دربار اصلی ایران نامیده می‌شد» (بهار، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۰). در این دوره، دبیران و منشیان، نثر مصنوع را رواج دادند و از آنجایی که بسیاری از این ادیبان وارد دربار می‌شدند، در زمینه منشآت نویسی کارهایی درخور توجه انجام دادند. برخی منشآت، در شبه قاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، از جمله اعجاز خسروی تألیف امیر خسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵ق) که مشتمل بر قواعد نه‌گانه نثر فارسی و نامه‌هاست

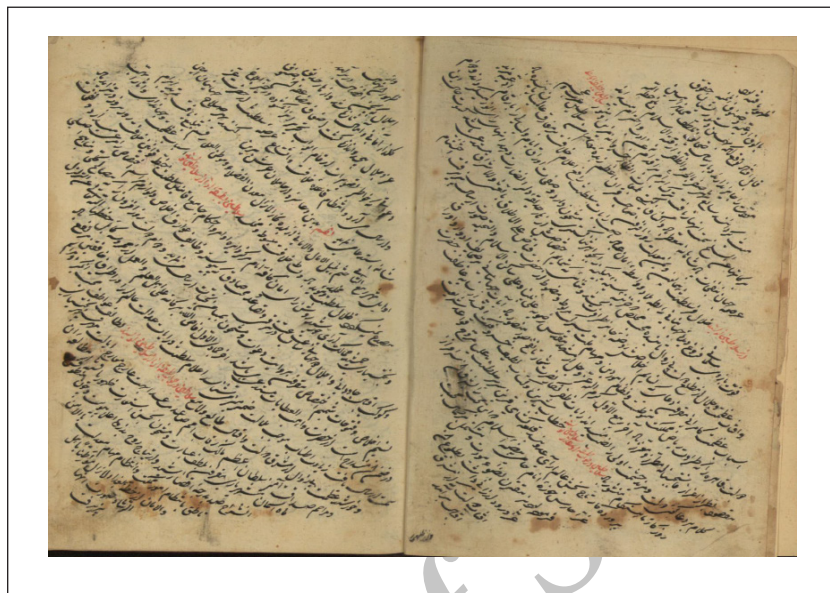


یا مجموعه منشآت فیضی فیاضی (متوفی ۱۰۴۰ق) یا منشآت منیر لاهوری (متوفی ۱۰۵۴ق) یا مجموعه منشآت قاسم طبسی که شامل چهل مکاتیب است. «فقط در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد بالغ بر ۲۷۰ نسخه منشآت وجود دارد که بیشتر آن‌ها کتاب‌هایی است که در هند نوشته شده‌اند» (رادفر، ۱۳۸۲، ش ۱، ص ۶۰)؛ اما شیوه نگارش مکاتیب دیوانی عهد گورکانی نیز دنباله همان سبک نامه‌نگاری تیمور و مغول بود. ملک‌الشعرای بهار، درباره سبک زبان فارسی گسترش یافته در هند می‌نویسد: «در این دوره، نثر عمومی ساده و روان بود و احیاناً در سستی و کم‌مایگی از عصر تیموری نیز فراتر رفته بود؛ اما در همان حال، نثر فنی فراموش نشد و منشیان درباری و اهل فضل برای نشان دادن معلومات خود از ظفر نامه و وصاف تقلید می‌کردند. این شیوه در اواخر عهد صفویه در ایران و هند نیز رواج یافته بود» (بهار، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۲) و در این بین کاتبان درباری، چون یوسفی هروی نقش مهمی ایفا کردند و نثر مصنوع را در این دوره به کمال رساندند. حال، مطالعه اثری که از دوران گذشته باقی مانده، نه تنها از یک سو پژوهندگان را در بازشناخت آداب نگارش و تطوّر فن ترسل و انشایاری می‌رساند، بلکه افق‌های دور و زوایای تاریخی و اجتماعی دوران گورکانیان را نیز، به روشنی باز می‌نمایاند.

#### ۴-۱- اهمیت نامه‌های بدایع الانشاء یوسفی هروی

عموماً، منشآت را، از نظر هدف تدوین و نگارش، در سه دسته می‌توان ارزیابی کرد: «نامه‌هایی که با هدف تعلیم آموزش نامه‌نگاری و آداب کتابت تألیف شده، دسته دوم، منشآت به قصد فراهم آوردن الگویی برای مترسلان و منشیان که شامل اخوانیات و سلطانیات بوده و دسته سوم نامه‌هایی که توسط شاعران، حکیمان و دانشمندان فراهم می‌شد و مورد توجه حکمرانان قرار می‌گرفته است» (صفری، ۱۳۹۰، ص ۱۷). یوسفی هروی در دیباچه بدایع الانشاء، هدف اصلی خود را از نوشتن این کتاب چنین آورده است: «این رساله‌ای است، مسمی به بدایع الانشاء، مشتمل بر مجاورات خطابی و جوابی که جهت فرزند عزیز قره‌العین، رفیع‌الدین حسین - طال عمره - و سایر طالبان در حیز عبارت و قید کتابت می‌آید» (بدایع الانشاء، برگ ۲۳). پس نویسنده، این اثر ادبی را به قصد تعلیم نگاشته است تا دبیران و نویسندگان نامه دولتی، غیردولتی و عامه مردم جامعه در هر طبقه‌ای که هستند، بتوانند با توجه به این نمونه‌ها، نامه‌های خود را در هر موضوعی به نگارش درآورند.





تصویر ۱

بدایع الانشاء، برگ های ۱۳-۱۴

«هرمان آته» از لحاظ انشاء، تصانیف را بر دو قسم می‌داند: «یک، تصانیفِ راه‌نماینده به سبب نامه‌نویسی خوب و دیگر، مجموعه منشآتِ نمونه و سرمشق، که گاه این دو نوع باهم تلفیق می‌گردد» (آته، ۱۳۳۷، ص ۲۴۴). براساس این اصل، از کتاب **بدایع الانشاء** هم به‌عنوان اثری در زمینه آداب نگارش به طبقات و اصناف مردم که «فنی را آموزش می‌دادند و مجموعه این کتاب‌ها را آیین‌نامه می‌نامیدند» (میهنی، ۱۳۸۹، ص ۵) و هم نمونه کاملی از منشآت سده دهم که سرمشق نامه‌نگاری است، می‌توان نام برد.

همچنین، از جمله مهم‌ترین آداب و فنون دبیری، آشنایی دبیر و نویسنده با مراتب و روابط کاتب و مکتوب‌الیه بود؛ یعنی دبیر باید می‌دانسته است به چه کسی یا چه مقامی نامه می‌نویسد، زیرا نوع نوشتن به هر طبقه از سه طبقه مکتوب‌الیه (گیرنده نامه) متفاوت بود. میهنی در این باره می‌نویسد، مراتب مکتوب‌الیه و کاتب (دبیر یا نویسنده) بدین گونه بود: «۱. مکتوب‌الیه یا گیرنده نامه، مقامی برتر و والاتر از کاتب داشته باشد؛ ۲. گیرنده نامه، هم‌سطح و هم‌تراز دبیر بوده است؛ ۳. گیرنده نامه، مقامی پایین‌تر از دبیر داشته باشد» (میهنی، ۱۳۸۹، ص ۹). دبیر مدبّر، باید با این طبقات آشنایی می‌داشت. یوسفی هروی با آگاهی از این فن و آشنایی با الگوی خاص کتابت قدیم، نامه‌ها را تدوین نموده است.



مؤلفه	دستورالکاتب (۷۵۷ق)	مخزن الانشاء (۹۰۷ق)	بدايع الانشاء (۹۴۰ق)	توضیحات
سلسله مراتب اداری	قسم اول: در مکاتبات سلاطین که به یکدیگر نویسنده و القاب و ادعیه ایشان و خواتین سلاطین و اولاد ایشان و ذکر پادشاه کاتب، یعنی آنکه مکتوب از قبل آن نویسنده	اعلی: ۱. سلاطین ۲. اولاد ملوک ۳. خواتین ملوک ۴. امراء ۵. صدور ۶. وزرا ۷. ارباب قلم ۸. سایر ملازمین	اعلی: ۱. سلاطین ۲. اولاد ملوک ۳. خواتین ملوک ۴. امراء ۵. صدور ۶. وزرا ۷. دیوانیان ۸. اهل قلم	برای تطبیق مراتب اداری دوره گورکانیان (اهل دولت، اهل سعادت، اهل مراد) ن. ک: جدول ش ۲.
	مرتبه دوم: ۱. در مکاتبات امرا و وزرا و خواتین و اولاد ایشان ۲. نقیب‌النقبا و سادات ۳. مشایخ و مریدان ۴. قاضی‌القضات و دیگر قضات و اتباع ایشان ۵. نوایب دیوان سلطنت و دیوان وزارت ۶. امراء و اصحاب دیوان بزرگ و دیگر ارکان مملکت	اشرف: ۱. سادات ۲. ائمه و مشایخ ۳. قضات ۴. مشایخ ۵. اهل درس و فتوی ۶. اصحاب مناصب شرعی ۷. حکماء ۸. ممتازین از عوام	اوسط: ۱. سادات ۲. مشایخ ۳. علماء شریعت ۴. قضات ۵. حکماء و اطباء ۶. شعراء ۷. منجیان	نقیب‌النقبا: سرپرست همه سادات تحت فرمان راگویند
	مرتبه سوم: در مکاتبات اشرف‌الناس از علماء و حکیمان و مدرسان و مفتیان و مفسران و وعاظ و فقها و ارباب فطرت و منجمان و شاعران و عم و خال و دختران و اصحاب و ندیمان و مهندسان و معماران و صدور و اعیان	اوسط: ۱. اصول و اعیان ۲. معارف و مشاهیر ۳. اوسط‌الناس ۴. سایر عوام	ادنی: ۱. والد و عم و خال ۲. دوستان ۳. عوام‌الناس	نامه‌های این بخش از بدایع الانشاء، بسیار کوتاه و گاه در حد سه یا چهار جمله است (ر. ک: بخش ۲-۲ مقاله).

## جدول ۱

سلسله مراتب اداری در آثار پیشین

### ۱.۵. معرفی نسخه آقدم بدایع الانشاء

بدايع الانشاء، به عنوان اثری تعلیمی از همان زمان تألیف، مورد توجه کاتبان و ادبا بوده و نسخه‌های متعددی از آن، در کتابخانه‌های پاکستان و هند موجود بوده است.<sup>۱</sup> در ایران نیز، حدود ۱۷ نسخه، از این اثر موجود است که در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۲، ص ۴۵۲ و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۵، صص ۸۴۴-۸۴۵ توصیف شده است.

اما درباره نسخه آقدم این اثر که در کتابخانه ملی ملک به شماره بازیابی ۳۸۳۳/۲ موجود است، باید اذعان داشت، این نسخه، به استناد تاریخ انجامه، از دیگر نسخ، قدیمی‌تر است. در صفحه آخر آن، زمان پایان کتابت (انجامه) این گونه قید شده است: «تمام شد انشاء این صحیفه عزرا الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه اجمعین تم.

۱. منزوی، احمد. (۱۳۸۲). فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. (ج ۵)، صص ۳۲۰-۳۳۰. قم: نشر مجموعه ذخایر اسلامی.



پس هر وی مجاور خاک حرم  
در راه نیاز کمتر از خاک قدم  
در نهصد و هشتاد و سه این نسخه نوشت  
او را به دعا یاد کنند اهل کرم»  
(بدایع الانشاء، برگ ۲۷۱).

مطالب این نسخه به خط نستعلیق با مرکب مشکلی و در عنوان‌ها، شنگرف، تحریر شده است و در مجموع، با وجود ویژگی‌های خاص رسم الخط در نقطه‌گذاری، اتصال و انفصال کلمات و عبارات، ولی این نسخه به دلیل خوشنویسی خوانا و دقیق کاتب، با وجود رطوبت زدگی در برخی صفحات، بسیار خوانا و عاری از غلط املائی است و درست بودن متن نسخه، دلیلی بر اصالت و ارزش آنست.

## گفتار دوم

### ۲.۱. تبیین سلسله‌مراتب اداری و مشاغل دیوانی در نامه‌های بدایع الانشاء

دوران گورکانیان، دورانی است که نظام حکومتی، مراتب اداری، فرهنگی، هنری و ادبی آن بسیار حائز اهمیت است. در مورد تبیین مراتب سازمان اداری این دوره آمده است: «تمام متوطنان ممالک محروسه را به سه قسم، منقسم ساختند: اخوان، اقربا، امرا، وزراء و کافه سپاهیان را اهل دولت گفتند؛ چه پیداست که بی مساعدت این طایفه، عروج بر معارج دولت و اقبال میسر نیست. حکما، علما، صدور، سادات، مشایخ، قضات، شعرا، سایر فضلا و موالی، اشراف و اهالی را اهل سعادت خواندند؛ زیرا که اکرام این سعادت‌مندان و مصاحبت با این فرقه شریفه، سبب استسعاد به سعادت ابدی است و ارباب بیوتات، اصحاب حسن‌صوری، اهل نغمه و ساز را اهل مراد نهادند که این مراد جمهور عالمیان است» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۵۲۴-۵۲۵). بر این اساس نکته مهمی که در ارائه نمونه نامه‌ها، که مضمون عمده بدایع الانشاء را شامل می‌شود، می‌توان بیان کرد، ترتیب قرار گرفتن این نامه‌هاست، نامه‌های این اثر را به سه رتبه می‌توان تقسیم کرد و این تقسیم‌بندی، برگه از صفحه تاریخ را به خوبی نشان می‌دهد.

با تکیه بر منشآت بدایع الانشاء، سلسله‌مراتب و مشاغل اداری گورکانیان، در سه بخش اصلی قابل طرح است:

**بخش اول:** مناصبی که عنوان دولتی محسوب می‌شدند، مانند: امراء، صدور، وزراء، اولاد ملوک، خواتین ملوک و... این مناصب از جهتی باید در حوزه نظام قضایی و از طرف دیگر در حوزه امور اداری تعریف می‌شدند. بسیاری از این افراد، در عرصه علمی و فرهنگی نیز کوشا بودند و در جهت احیا و گسترش فرهنگ و تمدن، اقدامات مؤثری انجام دادند. آنان از یکسو مروج آداب و سنن بودند و از سوی دیگر از عالمان و شاعران، حمایت مادی



و معنوی می‌کردند، مدارس و مراکز علمی متعددی را بنا می‌نهادند و در پاره‌ای موارد آثار ارزشمندی نیز تألیف می‌کردند. اینکه همه این مشاغل، از دوره تیموری باقی مانده است یا خیر؟ نیاز به تحقیق بیشتری دارد. اینک نمونه نامه‌ها:

### در تهنیت وزارت

«بِحَمْدِ اللَّهِ که زمام حل و عقد امور و عنان قبض و بسط مصالح جمهور به کف کفایت و قبضه درایت آن حضرت سپرده شد و عقل فیاضش به صورت اقلیم گشایی و ضمیر منیر به جانب ظلمت‌زدایی توجّه فرمود» (بدایع الانشاء، برگ ۱۳۳).

### صدارت

«شرف انتظام آن جناب در سلک صدور و مقربان حضرت سلطان موجب وفور موادّ افراح و ظهور اسباب ارتباح شده، ذخیره هواداران را از نهال کامرانی، میوه حصول آمال و امانی<sup>۲</sup> رسید» (بدایع الانشاء، برگ ۱۳۴).

**بخش دوم:** عناوینی که منشأ آن، موقعیت علما در جامعه و مأخوذ از نقش اجتماعی آنان بود. عمده عناوین دولتی نظام مذهبی گورکانیان، عبارت بود از: سادات، مشایخ، علمای شریعت، قضات، شیخ الاسلام و غیره.  
در ادامه نمونه نامه‌هایی که از بخش دوم کتاب انتخاب شده آورده می‌شود.

۱. سود ۲. آرزوها

### در تهنیت شیخ الاسلامی

«چون حضرت بی چون جَلّ ذکره بوعده لیظهر علی الدین کُلّه که منهج آن أنّ هَذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ بر عالمیان واضح کرد و منصب عالی شیخ الاسلامی حواله ذات حضرت قدوة الانامی<sup>۱</sup> کرد لاجرم کافه انام مستبشر<sup>۲</sup> و قاطبه خواص و عوام معتضد<sup>۳</sup> و مستظهرند<sup>۴</sup>» (بدایع الانشاء، برگ ۱۵۲).

### قضا

«الْحَمْدُ لِلَّهِ که به واسطه شروع آن حضرت در منصب شریف قضا، ریاض منیع دین قویم<sup>۵</sup> طراوتی تمام می‌یابد و باغ صراط مستقیم رونق کلی می‌پذیرد» (بدایع الانشاء، برگ ۱۵۰).  
این مراتب اداری در دربارهای حکومتی نقش کلیدی داشتند. در دوره صفویه و پیش

۱. پیشوای مردمی
۲. مزده دهنده
۳. یاری گیرنده
۴. پشت گرم
۵. راست و درست



از آن «علما عموماً بخشی از دربار و حرفه‌ای بودند (قاضی و مفتی و مانند آن) که به‌طور رسمی به آنها دستاریندان می‌گفتند» (ارشاد، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲). بعدها با مهاجرت گسترده ایرانیان به هند جمع کثیری از این قضات شیعی، نیز به آن دیار مهاجرت کردند و از طرف سلاطین گورکانی به مناصب مهم (قضا، وزارت، قاضی‌القضاتی، صدارت) گماشته شدند.<sup>۱</sup> این افراد از میدان عمل گسترده، برای تبلیغ مذهب برخوردار بودند و به شیوه‌های گوناگونی چون اشتغال به مناصب کلیدی و استفاده از اختیاراتی همچون، تربیت شاگردان و نگارش آثار متعدد در زمینه‌های فقهی، کلامی و تفسیری توانستند رسالت خویش را به‌درستی انجام دهند و به نوبه خود نقش مؤثری در ترویج تشیع، ایفا نمایند. در این بین افرادی چون «امیر فتح‌الله شیرازی علاوه بر جذب قضات شیعی در دربار، به دفاع از حقایق شیعه مبادرت ورزیدند» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۶). هرچند گاهی این امور، با توجه به مذهب رسمی دستگاه حاکم (سنی حنفی مذهب) به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت؛ اما تأثیرگذار بود، به‌طور مثال، نمونه بارز این شیوه، در عملکرد قاضی نورالله شوشتری در دوره اکبر شاه گورکانی مشهود است.

### به طبقه اوسط از شعرا

«نسایم حدایق فردوسی و شمایم گلزار قدسی که عبارت است از کتاب مشکین نقاب افضل شعرا، اکمل فضلا، سابق مضممار<sup>۲</sup> بلاغت، مرجع ارباب فصاحت، عُمان معانی، سلمان ثانی، حسان زمان، سبجان اوان، مشید<sup>۳</sup> بنیان امانی، مؤسس ارکان معانی» (بدایع الانشاء، برگ ۸۲). بدون تردید از میان ایرانیانی که تا قرن‌ها بعد از حمله مغول به هند مهاجرت کردند، هنرمندان و شاعران، به لحاظ تعداد و گستردگی، بیشترین جامعه آماری را دارا بودند. البته این مهاجرت‌ها به دلایل گوناگونی از جمله «بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری و در عوض حمایت سلاطین گورکانی از این گروه بستگی داشت» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵). بسیاری از این شاعران، شهرت خود را مدیون ورود به هند دانسته‌اند. «در روزگاری که جهانگیر خان و همسر لایق او، نورجهان در دهلی از شعر و شاعری حمایت می‌کردند، طالب آملی در سال ۱۰۲۹ ق ملک‌الشعرا دربار آن‌ها شد. شعر او راجع به مهاجرتش به هند، زیانزد خاص و عام بود. هندو نبرد تحفه کسی جانب هند بخت سیه خویش به ایران بگذار» (شمیل، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

یوسفی هروی به‌عنوان منشی گورکانیان، از نزدیک با این مناصب و متصدیان آن‌ها آشنا بود و چون از نقش کلیدی این مراتب آگاهی داشت، با اسلوب نامه‌نگاری صحیح، شیوه ارتباط با این افراد را به پسر خود و سایر نوآموزان، آموزش می‌داد.

۱. در کتاب مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند از قرن هشتم تا هجدهم میلادی نوشته فرهنگ ارشاد، نام بسیاری از قضات ایرانی که به هند مهاجرت کردند، آمده است.  
۲. میدان  
۳. برافراشته



بدایع الانشاء		اکبرنامه	
سلطین، اولاد ملوک، خواتین ملوک، امراء، صدور، وزراء، دیوانیان، اهل قلم	اعلی	اخوان، اقربا، امراء، وزراء و كافة سپاهیان	اهل دولت
سادات، مشایخ، علماء شریعت، قضات، حکماء و اطباء، شعراء، منجیان	اوسط	حکماء، علماء، صدور، سادات، مشایخ، قضاة، شعراء، سایر فضلا و موالی و اشراف	اهل سعادت
والد و عم و خال، دوستان، عوام الناس	ادنی	ارباب بیوتات، اصحاب حسن صوری <sup>۱</sup> ، اهل نغمه و ساز	اهل مراد

## جدول ۲

سلسله مراتب اداری بر اساس منبع تاریخی

بخش سوم: در بدایع الانشاء، دربارهٔ مراتب اداری گورکانیان (ارباب بیوتات، اصحاب حسن صوری، اهل نغمه و ساز) که به قول مؤلف اکبرنامه «سبب استسعاداً به سعادت ببدی اند و اهل مراد نامیده شده‌اند» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۲۵) نامه‌ای نوشته‌نشده و در عوض نامه‌های این بخش، خطاب به والد و عم و خال، دوستان و عوام الناس نگارش یافته است، این امر خود می‌تواند گویای اعتقادات مذهبی حکیم یوسفی هروی، به‌عنوان مسلمانی شیعی مذهب باشد.

### ۲.۲. آیین‌های دینی در دورهٔ گورکانیان، با تکیه بر نامه‌های بدایع الانشاء

هرچند جانشینان تیمور به لحاظ ساختار حکومتی وارث تشکیلاتی بودند که تیمور بر اساس سنت‌های مغولی بنا نهاده بود، به سبب نبود حکومتی متمرکز به‌خصوص پس از شاهرخ و تجزیهٔ قلمرو تیمور در نیمهٔ دوم سدهٔ نهم، تشکیلات او نتوانست بر اساس آن استوار باقی بماند. «تفاوت اساسی در ساختار حکومتی جانشینان تیمور با خود او، رجحان دادن قوانین اسلامی بر قوانین مغولی (یاسا) بود که پس از آنکه شاهرخ در (۸۱۵ق) قوانین یاسا را لغو و فقه اسلامی را جانشین آنها کرد، رایج گردید. پس از آن نیز بیشتر فرمانروایان تیموری و بازماندگان آنان به رعایت سنت‌های اسلامی پایبند ماندند» (یار شاطر، ۱۳۷۰، ص ۷) مانند: در تهنیت عید اضحی، معاودت حج، رمضان، لیلۃ القدر، عید فطر و غیره. اینک نامه‌ها:

#### در تهنیت عید اضحی

«قدوم رسوم عید اضحی که وقت احترام مسالک بیت الحرام و زمان اتمام مناسک کعبه با احترام است بر آن عالی جناب مبارک باد» (بدایع الانشاء، برگ ۱۲۳).

۱. پیرایشگران  
۲. نیکبختی ابدی



### معاودت حج

«حَقًّا که چون بشارت معاودت آن جناب از سفر مبارک با حصول ثبوتات<sup>۱</sup> و مَن دَخَلَهُ كَانْ آمَنًا و احاطه جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ استماع افتاد، وظیفه حمد و رابطه شکر، مرتب و موظف شد و مواد افراح و اسباب ارتباح قلوب و ارواح، سمت تزايد و تضاعف پذیرفت» (بدایع الانشاء، برگ ۱۳۰).

### عید فطر

«مقدم عید فطر که موسم میرات است و قدم این زمان سعید که اوان مسرات است، بر ملازمان مملکت پناهی، به فیض عنایت حضرت الهی، مبارک باد» (بدایع الانشاء، برگ ۱۲۵).

همچنین در این دوره به سنت های دینی مسلمانان نیز، پایبند بودند؛ مانند:

### در تهنیت ختنه کردن<sup>۲</sup>

«چون استماع افتاد که پرتو اهتمام بر سنت، ختان که کارخانه صبغة الله<sup>۳</sup> رنگی تمام دارد انداخته اند و مجلسی خوش و محفلی دلکش، محتوی بر وفور اسباب بهجت و منظری بر ظهور اصناف مسرت مرتب ساخت، روایح مروح نشاط و کامرانی از ریاض آمال دمید، نفایح گلزار انبساط و شادمانی به مشام مسرت حالی نسایم امانی رسید.  
از نکته<sup>۴</sup> این مژده جهان گشت معطر و پرتو این لمعه<sup>۵</sup> زمین گشت منور» (بدایع الانشاء، برگ ۱۴۰).

### نکاح

«چنان استماع افتاد که جناب مخدومی نص فأنکحوا توالدوا را به اقدام سعادت استقبال فرموده و لباس استیناس<sup>۶</sup> هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ را به طراز متابعت شریعت مطرز<sup>۷</sup> و معزز<sup>۸</sup> ساخته و عقد موصلت و عهد مؤانست با خاندان عصمت و دودمان عفت لازم و واجب شناخت، هرآینه این اتصال مبارک و همایون خواهد بود.» (بدایع الانشاء، برگ ۱۴۵).

### زفاف

«الحمد لله که دست ارادت در گردن مرادات<sup>۹</sup> حایل شد و فروغ دولت از طلیعه سعادت درخشنده و تابان گشت. بیت:  
به روزی که دولت برومند بود  
نظرها سزاوار پیوند بود» (بدایع الانشاء، برگ ۱۲۱).

۱. پادشاه عمل خیر
۲. شرح مبسوط این سنت، در کتاب اکبرنامه ذیل عنوان «آرایش جشن دولت پیری ختنه سور حضرت شاهنشاهی، آیین بستن به آیین اقبال ظهور خارق حادث از آن نونهال بوستان دولت» صص ۳۶۵-۳۷۱ آمده است.
۳. دین خدا
۴. خطا کننده ای که اراده صواب کند و بی قصد از او خطا صادر شود
۵. بوی خوش
۶. بارقه نور
۷. الفت و محبت
۸. نگارین
۹. ارجمند
۱۰. مقصودها



بنا به نوشته مورخان «علی رغم رواج تسنن به عنوان دین رسمی هند و حنفی مذهب بودن همایون شاه، همواره در این سرزمین، اصول فقهی تشیع حکمفرما بود» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۹۰). بدین جهت، یوسفی هروی نیز به سهم خود در پوشش منشآت، سنت‌های دینی و مذهبی شیعیان را رواج می‌داد. نمونه‌های زیبایی که گاه به قصد تبریک و تهنیت به مناسبت اعیاد و مناسبت‌های دینی مسلمانان و گاه به قصد به‌جا آوردن سنت رسول‌الله (ص) نگاشته می‌شد.

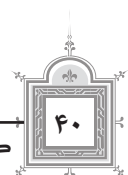
از ویژگی‌های دیگر ایرانیان مسلمان در طول تاریخ، دلبستگی و تعلق خاطر به فرهنگ‌ها و سنت‌های دیرینشان بود. ایرانیان، پس از آنکه به دین اسلام درآمدند، توأم با بزرگداشت شعائر و ارزش‌های اسلامی، بسیاری از سنت‌های کهن خود را با شور و شوق فراوان پاس می‌داشتند. نمونه نامه:

#### در تهنیت فصل ربیع (نوروز)

«خصوصاً زمان تحویل آفتاب جهان‌افروز که نوروز اهل اسلام است، انتقال آفتاب رفیع به نقطه اعتدال ربیع که موجب ابتهاج مزاج لطیف و واسطه افراح ارواح ضعیف و شریف است بر جناب عالی خجسته باد» (بدایع الانشاء، برگ ۱۳۲).

ایرانیان از دیرباز در حفظ و برپایی هرچه باشکوه‌تر جشن فروردین که مواهب گران‌بهای طبیعت و هنگامه تجدید عهد نشاط و شادمانی است، اهتمام می‌ورزیدند و در کتب بزرگان شیعه، به‌خصوص در قرون متأخر، اخبار بسیار در فضیلت نوروز منقول است و از آن‌ها نیک پیدا است که ایرانیان میهن‌پرست عاقبت توانستند، یکی از بزرگ‌ترین مراسم ملی خود را در لباس مذهب جلوه دهند و بنیاد آن را بدین طریق استوارتر سازند. به همین دلیل یوسفی هروی نیز «تهنیت نوروز» را در ذیل آیین و رسوم اسلامی آورده است.

با توجه به موضوع و محتوای نامه‌های **بدایع الانشاء**، به نظر می‌رسد، ترویج مذهب و آیین‌های اسلامی ایرانی در دوره گورکانیان، خود بعدها توانسته است مقدمه‌ای برای ابداع اختراع «دین الهی» از طرف اکبرشاه در بیست و سومین سال سلطنتش (۹۹۶ق) باشد، «دینی که زیربنای آن اسلام بود» (علامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱). حال بر این اساس، می‌توان دریافت که یوسفی هروی، علاوه بر تعلیم فن ترسل و انشاء، در ساختار جامعه هند و حاکمیت چندین مذهبی در بین ساکنان آن، قصد اشاعه دین اسلام را نیز داشته است.



## نتیجه‌گیری

تحقیق و پژوهش در آثار ادبی به‌ویژه نامه‌ها و ترسّلات، همانند اسناد تاریخی، محققان را در رهیابی به نظام اجتماعی، ساختار حکومتی، سلسله مراتب اداری، بیش از پیش یاری می‌رساند و مطالب جامعی، در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، این طیف از اسناد، در قیاس با منابع رسمی تاریخی که مورخان، تحت ملاحظات خاص، مبادرت به تألیف آن‌ها می‌کردند، حاوی نکات ارزشمندتری هستند که پرتو روشنی بر گذشته می‌افکنند. **بدایع الانشاء**، یکی از آثار ارزشمند ادبی دوره گورکانیان است که علاوه بر ارزش ادبی، در تبیین تاریخ اجتماعی این دوره نیز اهمیت بسزایی دارد.

نویسنده، این اثر را با هدف تعلیم فن «ترسّل و انشاء» نوشته و مطالعه نامه‌های آن، علاوه بر آشنایی با اسلوب بیان در ترسّل، در مورد شیوه نگارش مکاتبات رسمی دیوانی، که در این دوره رایج بوده است، اطلاعات باارزشی به دست می‌دهد.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، این مجموعه در کنار شیوه نامه‌نگاری مرسوم، سلسله مراتب اداری این دوره را نیز نشان می‌دهد. در این ساختار، که بر مبنای سه مرتبه اداری سامان یافته است، همچون بسیاری از شواهد و مدارک تاریخی، سلطان در رأس و صاحب‌منصبان دیگر در لوای او معرفی شده‌اند.

همچنین موضوع و محتوای نامه‌ها گویای این حقیقت تاریخی نیز است که در این دوره، اشتراکات فرهنگی، دینی و مذهبی بین مردم مسلمان ایران و هند برقرار بوده است و ایرانیان مهاجری چون یوسفی هروی در گسترش تشیع و آداب و رسوم اسلامی - ایرانی، در ديار هند تأثیر بسیاری داشتند.

## منبع

### نسخه خطی

بدایع الانشاء، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره بازیابی ۴۵۰۸.

بدایع الانشاء، کتابخانه ملی ملک، تهران، شماره بازیابی ۳۸۳۳/۲.

### کتاب

آملی طبری، محمدعلی. (۱۳۷۲). *زبدة الآثار*. (ج ۱). تهران: امیرکبیر.

اته، هرمان. (۱۳۳۷). *تاریخ ادبیات فارسی*. (ج ۱). (صادق رضازاده شفق، مترجم). تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

ارشاد، فرهنگ. (۱۳۷۹). *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*. (ج ۱). تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۶). *سیک‌شناسی*. (ج ۳). (چ ۱). تهران: نشر زوآر.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (فنخا). (ج ۵). (چ ۱). تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۸). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران* (دنا). (ج ۲). (چ ۱). تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۲). *لغت‌نامه*. (چ ۱). تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*. (چ ۱). مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *از گذشته ادبی ایران*. (چ ۲). تهران: نشر سخن.
- شیمیل، آنه ماری. (۱۳۷۳). *ادبیات اسلامی هند*. (چ ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: نشر امیرکبیر.
- صافی، قاسم. (۱۳۸۲). *تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان*. (چ ۱). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. (ج ۵). (چ ۱). تهران: نشر فردوس.
- صفری آق‌قلعه، علی. (۱۳۹۰). *نسخه‌شناخت*. (چ ۱). تهران: نشر میراث مکتوب.
- علامی، ابوالفضل بن مبارک. (۱۳۸۵). *اکبرنامه: تاریخ گورکانیان هند*. (ج ۱). (غلامرضا طباطبایی مجد، کوششگر). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۸). *روش تحقیق در تاریخ‌نگاری*. (چ ۱). تهران: دانشگاه ملی ایران.
- منزوی، احمد. (۱۳۸۲). *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*. (ج ۵). قم: نشر مجموعه ذخایر اسلامی.
- میهنی، محمدبن الخالق. (۱۳۸۹). *دستور دبیری*. (چ ۱). (اکبر نحوی، مصحح). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یار شاطر، احسان. (۱۳۷۰). *شعر فارسی در عهد شاه‌رخ*. (چ ۱). تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

#### مقاله

- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). «انشاء‌نویسی در شبه‌قاره هند». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. شماره ۱، صص ۵۱-۶۴.

